

از اشعار او را مرتب کرد ولی، بر اثر هجوم خوارج به بحرین، موفق به اتمام آن نشد (ص ۹).

منابع: محمدحسن آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی نقی متزوی و احمد متزوی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ محسن امین، اعیان الشیعة، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳، ج ۷، ص ۳۰۷، ۳۰۲؛ سلیمان بن عبدالله بحرانی، فهرست آل بابویه و علماء البحرین، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۲؛ علی بن حسن بحرانی، انوارالبدرین فی تراجم علماء القطفین والاحساء والبحرین، چاپ محمدعلی محمدرضا طیبی، نجف ۱۳۷۷، چاپ انت ق ۱۴۰۷؛ یوسف بن احمد بحرانی، لؤلؤة البحرین، چاپ محمد صادق بحر العلوم، قم [بی تا]؛ اسماعیل بغدادی، هدیه الماروفین، ج ۱، بیروت ۱۹۹۰/۱۴۱۰؛ محمدباقر بن محمد اکمل بهبهانی، تعلیقہ رجالیہ: التعلیقہ علی المنهج المقال استرآبادی، تهران ۱۳۰۷؛ عبدالله جزائری، الاجازة الکبیرة، قم ۱۴۰۹، ص ۴۴؛ محمد باقر بن زین العابدین خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، چاپ اسدالله اسماعیلیان، قم ۱۳۹۰، ۱۳۹۲؛ خیرالدین زرکلی، الاعلام، بیروت ۱۹۸۶، ج ۳، ص ۱۱۲۸؛ عبدالله بن صالح ستاهجی، منیة الممارسین، نسخه خطی کتابخانه آیه الله نجفی مرعشی، ش ۱۰۱۸؛ عباس قمی، فوائد الرضویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة، [بی جا، بی تا]؛ عمر رضا کحاله، معجم المؤلفین، بیروت [تاریخ مقدمه ۱۳۷۶]؛ عبدالله مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف ۱۳۵۲، ۱۳۲۹؛ حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، چاپ محمدرضا نوری نجفی، تهران ۱۳۲۱.

/ محمدرضا انصاری و یحیی رهایی /

بحرانی، علی بن سلیمان بن حسن، ملقب به زین الدین، محدث و فقیه شیعی قرن یازدهم. وی نخستین کسی بود که در بحرین مدرسه آموزش حدیث برپا کرد و این علم را رواج داد (یوسف بحرانی، ص ۱۴؛ سلیمان بحرانی، ص ۷۴؛ علی بحرانی، ص ۱۱۹؛ امین، ج ۸، ص ۲۴۷؛ کحاله، ج ۷، ص ۱۰۳). از تاریخ تولد او اطلاع دقیقی در دست نیست، اما می دانیم که در ۱۰۶۴ درگذشته و در روستای قدّم، از روستاهای بحرین، به خاک سپرده شده است. در بحرین، نزد علامه سید ماجد بحرانی*، شیخ محمد بن حسن بن رجب مقابلی، فقیه و نخستین امام جمعه بحرین در دوره صفویه، شیخ جعفر بن کمال الدین بحرانی* (سلیمان بحرانی، همانجا) و سید نورالدین علی بن علی موسوی عاملی جبعی (متوفی ۱۰۶۸) تحصیل کرد (صدر، ص ۴۱۹). سپس به ایران سفر کرد و در اصفهان نزد شیخ بهایی به تحصیل علم حدیث پرداخت (علی بحرانی، همانجا؛ یوسف بحرانی، ص ۱۴). شیخ بهایی در اجازه ای اجتهاد کاملش را تأیید کرده است (علی بحرانی، همانجا).

پس از بازگشت بحرانی به زادگاهش، عده زیادی در درس او حاضر می شدند، حتی نخستین استادش، محمد بن حسن بن

رجب، متواضعانه به مراتب فضل و اعلم بودن او اذعان می کرد و خود را به حضور در درس او و استفاده از معلوماتش ملزم می دانست (یوسف بحرانی، همانجا). در علم حدیث چنان تبحر داشت که در حوزه های علمی ایران (دیار عجم) به «ام الحدیث» شهرت یافت (قمی، ص ۳۰۲). سالها ریاست دینی مردم بحرین و رسیدگی به امور حسبیّه و قضاوت و امامت جمعه و جماعت را برعهده داشت و در امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با بدعتها و منکرات کوشا و سختگیر بود. در دوره ریاست او عدالت برقرار و دست ظالمان کوتاه شد (یوسف بحرانی، همانجا).

از بحرانی سه فرزند برجای ماند: شیخ صلاح الدین که محدث و ادیب و شاعر بود و پس از درگذشت پدر وظایف او را در قضا و درس و امامت جمعه و جماعت به عهده گرفت (یوسف بحرانی، ص ۱۵) و در جوانی در شیراز درگذشت (سلیمان بحرانی، ص ۷۵)؛ شیخ حاتم که فقیه بود (یوسف بحرانی، همانجا)؛ شیخ جعفر که پس از مرگ برادرش، صلاح الدین، منصب و وظایف او را عهده دار شد. علی، فرزند شیخ جعفر، نیز مدتی در بحرین امور حسبیّه را به عهده داشت و در امر به معروف و نهی از منکر کوشا بود و خصوصاً با امرا و بزرگان مدهانه نمی کرد؛ ازینرو برخی از آنان نزد شاه سلیمان صفوی (حک: ۱۰۷۷ - ۱۱۰۵) از او سعایت کردند و در نتیجه، به دستور شاه، با غل و زنجیر به ایران اعزام شد، اما وقتی به کازرون رسید، حقیقت امر بر شاه روشن شد و فرمان آزادی اش را صادر کرد. پس از آن، مدتی طولانی در کازرون اقامت کرد و در ۱۱۳۱، در همانجا درگذشت (یوسف بحرانی، ص ۱۵-۱۶).

از بحرانی رساله هایی در صلاة و جواز تقلید و طهاره و جمعه و مناسک حج و حواشی بر «التهدیب» و «الاستیصار» و «المختصر النافع» برجای مانده است (سلیمان بحرانی، ص ۷۴؛ علی بحرانی، ص ۱۲۰؛ قمی، همانجا؛ کحاله، ج ۷، ص ۱۰۳).

منابع: عبدالله بن عیسی اصفندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۱۰۲؛ محسن امین، اعیان الشیعة، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ سلیمان بن عبدالله بحرانی، فهرست آل بابویه و علماء البحرین، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۲؛ علی بن حسن بحرانی، انوارالبدرین فی تراجم علماء القطفین والاحساء والبحرین، چاپ محمدعلی محمدرضا طیبی، نجف ۱۳۷۷، چاپ انت ق ۱۴۰۷؛ یوسف بن احمد بحرانی، لؤلؤة البحرین، چاپ محمد صادق بحر العلوم، قم [بی تا]؛ عبدالله جزائری، الاجازة الکبیرة، قم ۱۴۰۹، ص ۳۲، ۹۱، ۳۰۸؛ محمد بن حسن حرّ عاملی، اصل الآمل، چاپ احمد حسینی، نجف ۱۳۸۵/۱۹۶۵، ج ۲، ص ۱۸۹؛ حسن صدر، تکملة اصل الآمل، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۶؛ عباس قمی، فوائد الرضویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة، [بی جا،

بی تا؛ [عمر رضا کحاله، معجم المؤلفین، بیروت [تاریخ مقدمه ۱۳۷۶].
/ محمدرضا انصاری /

بحرانی، علی بن عبدالله بن علی ستری (منسوب به ستره یا ستار، ناحیه‌ای در بحرین)، از فقها و مراجع تقلید امامی بحرین و شبه جزیره عربستان در قرن سیزدهم و چهاردهم. در بحرین زاده شد (بحرانی، ص ۲۳۶؛ زرکلی، ج ۴، ص ۳۰۸؛ کحاله، ج ۷، ص ۱۲۷) و در زمان حیات پدرش که از فقهای بحرین بود (— بحرانی، ص ۲۳۶، ۲۳۸) به مطرح* در نزدیکی مسقط کوچ کرد. در اقامت طولانی خود در آنجا به ارشاد و راهنمایی اهالی، بویژه طایفه حیدرآبادیه، و مطالعه و تصنیف پرداخت (همان، ص ۲۳۶؛ امینی، ص ۳۴۱؛ زرکلی، همانجا) و در آنجا مرجع تقلید شد (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۳۰۵؛ زرکلی، همانجا). در اواخر عمر ناچار به ترک مطرح شد (بحرانی، همانجا) و در بندرلنگه اقامت گزید. بحرانی در ۱۳۱۹ (یا ۱۳۱۸) مسموم و شهید شد (امینی، همانجا؛ بحرانی، ص ۲۳۶-۲۳۷؛ زرکلی، همانجا؛ کحاله، ج ۷، ص ۱۳۷-۱۳۸؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۷۷، ج ۲، ص ۳۳۰، ج ۱۸، ص ۳۰۵، ج ۲۲، ص ۲۴۴؛ همو، ۱۴۰۴، جزء ۱، قسم ۴، ص ۱۴۷۲؛ امین، ج ۸، ص ۲۶۸؛ قائینی نجفی، ص ۵۹).
ظاهراً تنها استاد بحرانی پدرش بوده است (بحرانی، ص ۲۳۸؛ امینی، همانجا). به نوشته حسن بحرانی، وی در زمینه تاریخ، حدیث، شعر و ادب حافظه‌ای سرشار و اطلاعاتی وسیع داشت و هرچند دوران تحصیل طولانی نبود، در پرتو حافظه، استعداد، مطالعه مستمر و تصنیف و تدریس، به چنان مقام علمی والایی دست یافت که دانشمندان به ستایش او برخاستند (۲۳۸-۲۳۹؛ امینی، همانجا).
در منابع، کتابها و آثار متعدد کلامی و فقهی او را نام برده‌اند (— امین، همانجا؛ امینی، ص ۳۴۲؛ بحرانی، ص ۲۳۷-۲۳۸؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۴، جزء ۱، قسم ۴، ص ۱۴۷۱؛ زرکلی، همانجا؛ کحاله، ج ۷، ص ۱۳۸؛ قائینی نجفی، همانجا). از جمله: *لسان الصدق* که در ۱۳۰۶ رد بر کتاب «میزان الحق» از کشیش و مبلغ معروف مسیحی نگاشته و در ۱۳۰۷ در بمبئی چاپ شده است (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۳۰۵-۳۰۶)؛ *الاجوبه العلیه للمسائل المسقطیه* کتاب جامع فقهی و فتوایی او که به همت شاگرد و خواهرزاده‌اش احمدبن محمدبن احمدبن سرحان بحرانی و به ترتیب کتب فقهی گردآوری و در ۱۳۱۶ چاپ شد (همان، ج ۱، ص ۲۷۷؛ بحرانی، ص ۲۳۸) و میرزا محمدتقی شیرازی* حاشیه‌ای فتوایی بر آن زده است (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، همانجا؛ منارالهدی فی اثبات امامه ائمه‌الهدی (یا: فی اثبات النص علی الائمه الامناء) در نقد

بحرانی، کمال‌الدین احمدبن علی

۳۱۱

سخنان معتزله و اشاعره از جمله ابن‌ابی‌الحدید و قوشچی درباره امامت، که در ۱۳۲۰ در بمبئی چاپ شد (همان، ج ۲۲، ص ۲۴۴)؛ *قامعه اهل الباطل* در دفاع از عزاداری امام حسین علیه‌السلام (چاپ بمبئی — همان، ج ۱۷، ص ۱۵)؛ *واسطه‌العقد الثمین* (همان، ج ۲۵، ص ۱۱).

منابع: محمد محسن آقابزرگ طهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ همو، *طبقات اعلام‌الشیعة*، جزء ۱: *نقیاء البشر فی القرن الرابع عشر*، مشهد ۱۴۰۲؛ محسن امین، *اعیان‌الشیعة*، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ عبدالحسین امینی، *شهداء الفضیلة*، قم ۱۳۵۲ ش؛ علی‌بن حسن بحرانی، *انوارالبدین فی تراجم علماء القطیف والاحساء والبحرین*، چاپ محمدعلی محمدرضا طیبی، نجف ۱۳۷۷، چاپ اقت ص ۱۲۰۷؛ خیرالدین زرکلی، *الاعلام*، بیروت ۱۹۸۶؛ علی فاضل قائینی نجفی، *معجم مؤلفی‌الشیعة*، تهران ۱۴۰۵؛ عمر رضا کحاله، *معجم المؤلفین*، بیروت [تاریخ مقدمه ۱۳۷۶].

/ رضا هاشمی /

**بحرانی، فخرالدین احمدبن عبدالله —
ابن‌المتوِّج، فخرالدین احمدبن عبدالله**

بحرانی، کمال‌الدین احمدبن علی بن سعیدبن سعاده ستروری، محقق و متکلم شیعی قرن هفتم. در قریه ستره (یک‌نیم فرسخی جنوب منامه) به دنیا آمد. از معاصران خواجه نصیرالدین طوسی بود و پیش از او درگذشت و در زادگاهش دفن شد (فسابی، ج ۲، ص ۱۲۶۵). شاگرد او، علی‌بن سلیمان بحرانی، (علی‌بحرانی، ص ۶۰) وی را «لسان‌الحکماء و المتکلمین» می‌خوانده و از اینکه به توفیق الهی از چنین استادی بهره‌مند شده، خرسند بوده است (سلیمان بحرانی، ص ۹۲؛ امین، ج ۳، ص ۴۳-۴۴). بحرانی از شیخ نجیب‌الدین محمد سوراوی، شیخ روایت سیدبن طاووس، و همچنین به واسطه شیخ نجیب‌الدین یحیی‌بن محمد یحیی سزاوی (ظاهراً سوراوی — امین، ج ۱۰، ص ۲۰۲) از شیخ حسین (حسن) بن هیبة‌الله بن رطبه سوراوی (از مردم سوراو عراق)، فقیه امامی قرن ششم، روایت می‌کند (سلیمان بحرانی، ص ۶۸؛ امین، ج ۵، ص ۳۹۰، ج ۶، ص ۱۹۰). تنها اثر به جا مانده از او، *رسالة العلم* است که آن را به خواهرش علی‌بن سلیمان بحرانی تألیف کرده، و او نیز کتاب را نزد خواجه نصیرالدین طوسی فرستاد و از او خواست که آن را شرح کند. خواجه با بزرگداشت مؤلف، رساله را به صورت «قال...قول» شرح، و در بعضی موارد نیز مطالب آن را رد کرده است (افندی اصفهانی، ج ۱، ص ۵۲).
برخی از تراجم‌نویسان احتمال داده‌اند که این رساله را شیخ